**یادداشتهای سیاسی – حمید تقوایی**

**جنبش کارگری علیه اختلافات طبقاتی!**

هفته ای که گذشت هفته اوج اعتصابات و اعتراضات کارگران در ابعاد سراسری و محلی بود. اعتصاب وتحصن گسترده معلمان در بیش از صد شهر، اعتصاب سراسری کارگران راه آهن، اعتراضات بازنشستگان فولاد خوزستان و فولاد اصفهان، تجمع کارگران شرکت واحد علیه دستمزدهای زیر خط فقر و با خواست هفت میلیون حداقل دستمزد، و راهپیمائی بازنشستگان فولاد مبارکه در خیابانهای اصفهان در زمانی که این یادداشت را مینویسم، نمونه هائی از تپش و تحرک جنبش کارگری در شرایط حاضر است. این اعتصابات و اعتراضات علیه شرایط غیر قابل تحمل معیشتی، دستمزدهای چند مرتبه زیر خط فقر و علیه فساد و دزدی و چپاول مسئولین و مقامات صورت میگیرد. جنبش کارگری همیشه در عرصه مبارزه علیه فقر و بی تامینی و علیه "حقوقهای نجومی فلاکت عمومی" پیشگام بوده است. خیزش دیماه سال گذشته اساسا بر دوش جنبش کارگری شکل گرفت و در یک مقیاس توده ای جمهوری اسلامی را به لرزه انداخت. اکنون مبارزات کارگران هم از نظر شکل و هم در محتوی در سطح تعرضی تر و رادیکال تر و صریح و شفاف تری پرچم این مبارزه را برافراشته است. جنبش کارگری از نظر شکل سراسری تر و متحد تر میشود و در محتوی عمیق تر و ریشه ای تر.

یکی از بنرهای معلمان اعتصابی اعلام میکند "ما خواهان لغو اختلافات طبقاتی هستیم" و این دست بردن به ریشه همه مسائل نه تنها کارگران، بلکه زنان و جوانان و کل جامعه است. لغو اختلافات طبقاتی یعنی ریشه کن کردن فقر و بی تامینی اقتصادی، یعنی ختم دزدیها و چپاولگریهای نجومی، یعنی از بین بردن دره عمیق بین فقر نود و نه درصدیها و ثروت یک درصدیها، یعنی لغو کلیه تبعیضات و نابرابری های حقوقی و سیاسی و اجتماعی که علیه زنان و علیه مردم منسوب به مذاهب و ملیتهای دیگر اعمال میشود. لغو اختلافات طبقاتی یعنی لغو بردگی مزدی و سازمان دادن اقتصاد جامعه در خدمت رفاه همه مردم. برای رسیدن به این هدف باید از کل طبقه سرمایه دار در ایران خلع ید کرد و اولین گام در این راه بزیر کشیدن جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی وحشی ترین و هارترین حکومت سرمایه در ایران است، میتواند و باید آخرین آن نیز باشد.

**تحجر و تعفن "روشنفکران دینی"**

*"خمینی باسوادترین رهبر این کشور بوده تا کنون. از ایام اولیه حکومت هخامنشیان تا روزگار حاضر. در بین پادشاهانی که ما داشتیم، هیچ کس به لحاظ علمی به پای او نمی‌رسید."*

عبدالکریم سروش

از کوزه همان برون تراود که در اوست! این تجلیل وقیحانه از خمینی، ادامه خدمات پلیسی - امنیتی سروش به ارتجاع حاکم است.

یکسال قبل وقتی سروش با عنوان "روشنفکر و فیلسوف دینی" تور سخنرانی در کشورهای غربی گذاشته بود در تورنتو و کلن با اعتراض اعضای حزب و دیگر فعالین کمونیست بساطش جمع شد. ما اعلام کردیم ایشان معمار و عامل یورش به دانشگاهها و دانشجویان است و باید در کنار دیگر عاملین و آمرین جمهوری اسلامی به جرم جنایت علیه بشریت محاکمه شود.

اما سروشِ "روشنفکر و فیلسوف دینی" دست کمی از سروشِ قداره بند ندارد. ایشان با تجلیل از خمینی، کسی که یک شاهکار "علمی فلسفی" اش توضیح المسائل در باب لذتجوئی جنسی از نوزادان و آداب مقاربت با شتر و گوسفند است، نهایت تعفن و تحجر باور و ذهنیت خود را به نمایش میگذارد. پسوند دین را به هر چه اضافه کنید متعفن و متحجر میشود، از حکومت و مدارس و قوانین تا فرهنگ و اخلاقیات و افکار و عقاید. در این میان "علم و فلسفه دینی" یک تناقض در خود است. علم و فلسفه تنها با نهضت رنسانس و انقلاب علمی عصر روشنگری و پس از آن که گریبان خود را از تحجر دین خلاص کرد توانست رشد کند و شکوفا بشود. و امروز ایران میرود تا رنسانس دیگری را علیه مذهب برپا کند. رنسانسی که امثال سروش را به موزه عهد عتیق خواهد سپرد.

**تحولی که همه چیز را تغییر خواهد داد!**

*"بعید است در انتخابات آینده مردم به حرف ما پای صندوق‌ها بیایند."*

محمد خاتمی

بعید است اصولا انتخاباتی در کار باشد! "شیخ اصلاحات" ظاهرا هنوز معنی شعار توده ای "اصلاح طلب اصولگرا دیگه تمومه ماجرا" را خوب حالی نشده است. نه تنها ماجرای مضحکه های انتخاباتی، بلکه هر نوع تقلائی برای سرپا نگاهداشتن حکومت بپایان رسیده است.

خیزش دیماه ٩٦ نقطه عطفی در صحنه سیاست ایران بود. نقطه عطفی که خط استحاله در بسته بندیهای مختلف دو خردادی و سبز و بنفش و غیره را بپایان رساند و سرنگونی جمهوری اسلامی را به گفتمان عمومی مردم و حتی مقامات حکومتی بدل کرد. امروز صورت مساله حکومت اسلامی شرکت مردم در انتخابات آتی نیست، بلکه نفس دوام و بقای رژیم تا مقطع انتخابات است. خاتمی میپرسد " آیا فکر می‌کنید در دور آینده انتخابات به حرف من و شما مردم پای صندوق‌ها خواهند آمد؟" و خود پاسخ میدهد:" بعید می‌دانم، مگر این که در یک سال آینده تحولی رخ دهد."

پاسخ ما هم اینست که در سال آینده تحولی رخ خواهد داد. تحول سرنگون شدن جمهوری اسلامی بقدرت انقلاب مردم! تحولی که نه تنها انتخابات بلکه همه چیز را از پایه تغییر خواهد داد و نگرانی و دغدغه امثال خاتمی نیز برای همیشه رفع خواهد شد!